

بررسی تحلیلی «مدیریت دانش» از دیدگاه اسلام با تکیه بر آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام و نقش آن در توسعه مدیریت اسلامی دانش محور

✍ محبوه گلستانی زاده / دانشجوی دکتری مدیریت فناوری اطلاعات، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، خوراسگان
Mgz_2939@yahoo.com

حمید دوازده امامی / استادیار گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، خوراسگان
رسول هیهائوند زواری پور / دانشجوی دکتری مدیریت فناوری اطلاعات، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، نجفآباد
دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۱۷ - پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۳۰

چکیده

امروزه تأکید بر دانش و اطلاعات از اساسی ترین مشخصه های سازمان های هوشمند به شمار می رود. بی تردید، توجه همه جانبه به علوم سازمانی، موجب تعالی نیروهای انسانی درون سازمان ها و نیروی محرکی برای دستیابی به اهداف بلندی است که جوامع برای تعالی و رشد خود ترسیم کرده اند. یکی از این علوم سازمانی، «مدیریت دانش» است. «مدیریت دانش» فرایندی نظام مند در احصا، ذخیره سازی، بازیابی و توزیع دانش افراد درون سازمان برای استفاده همگانی به منظور ارتقای کیفیت و کارایی در تصمیم گیری هاست. در این میان، حافظه و سابقه تاریخی جوامع در روی آوردن به چنین رویکردهایی از جایگاه بالایی برخوردار است؛ بدین معنا که ارزش و اهمیت بالایی که جوامع به طور ذاتی برای علم و دانش قائل هستند، خود زمینه ساز اقبال شایسته تر به این علوم خواهد بود. این مقاله کوشیده است تا با تکیه بر آیات نورانی قرآن و روایات ائمه معصوم علیهم السلام ریشه های دینی دانش و روند منطقی راه، که امروزه از آن به نام «مدیریت دانش» نام برده می شود، بررسی و تحلیل کند.

کلیدواژه ها: آیات قرآن، دانش، روایات ائمه معصوم علیهم السلام، مدیریت دانش.

مقدمه

زیستن در عصر ارتباطات و اطلاعات، الزاماتی می‌طلبد که چشم‌پوشی از آنها به منزله حرکت در محیطی تاریک و مبهم است. اعمال مدیریت بر اطلاعات و سامان‌دهی آن به صورت مجموعه‌هایی از دانش و آگاهی هدفمند به معنای پذیرش و تن دادن به الزامات عصر دانش است (بهداری‌فرد، ۱۳۹۴، ص ۱۱). دانش در دنیای پیشرفته امروز، به سرعت در حال تبدیل شدن به مزیت رقابتی اصلی سازمان‌هاست. روند اوج یافتن نقش دانش، نوآوری و فناوری‌های نوین در ایجاد مزیت‌های راهبردی و اهمیت یافتن ارزش منابع دانش در اداره سازمان‌ها موجب شده است تا مقوله جدیدی به نام «مدیریت دانش» در قلب سیاست‌های راهبردی سازمان‌ها جای گیرد (سهرابی یورتچی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۹۷).

«مدیریت دانش در سازمان» تلاشی است برای مدیریت کردن دانایی‌ها (مهارت، دانش و بینش) کارکنان، مدیران و ذی‌نفعان درونی و بیرونی (مهرعلی‌زاده و عبدی، ۱۳۸۹، ص ۲۰). «مدیریت دانش» فرایندی است که به وسیله آن، سازمان از دانش و سرمایه فکری خود، ثروت تولید می‌کند (بوکوویتز و ویلیامز، ۱۳۹۳، ص ۱۶). به عبارت دیگر، مدیریت دانش، فرایند نظام‌مند کشف، انتخاب، سازمان‌دهی، تلخیص و ارائه اطلاعات است و به سازمان‌ها کمک می‌کند تا بر اساس تجارب، شناخت و بینش‌های کسب شده، فعالیت‌های خود را بر کسب، ذخیره‌سازی و استفاده از دانش متمرکز کنند تا بتوانند از این دانش در حل مشکلات، بهره‌گیری از فرصت‌ها، آموزش‌های پویا، برنامه‌ریزی راهبردی، تصمیم‌گیری و حل و فصل مسائل سازمان بهره‌گیرند. مدیریت دانش نه تنها از زوال دارایی‌های فکری و مغزی سازمان جلوگیری می‌کند، بلکه به طور مداوم، بر این ثروت می‌افزاید (طبرسا و نظربوری، ۱۳۹۳، ص ۴۵).

در واقع، کارکرد مدیریت دانش ناظر بر مجموعه‌ای از اقدامات نظام‌مند است که دستیابی به راندمان حداکثر، پایا و مؤثر از دانش را میسر می‌کند. البته رسیدن به هدف مزبور مستلزم داشتن راهبردی معین است که بر مبنای آن باید خلق دانش، بقای دانش، انتقال دانش و بهره‌گیری از دانش در سازمان به طور مشخص، تعریف و روابط حوزه‌های عملکردی هر یک نیز تعیین شود. بنابراین، می‌توان گفت: «مدیریت دانش» مفهومی میان رشته‌ای است و تأکید آن بر دانش، آن را از سایر رویکردهای مدیریتی متمایز می‌کند. بدون این تأکید، مدیریت دانش صرفاً یک مفهوم باز یافته و تکراری موضوع مدیریت می‌شود، و بدون توضیح روشن دانش، بحث مدیریت دانش از هدف خود دور می‌افتد (رفعتی شالدهی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۲۳۸). بدین‌روی، با عنایت به نکات فوق‌الذکر، در ادامه، از زاویه اسلامی و با توجه به نگاه قرآن و احادیث به حوزه دانش و مدیریت دانش، این مهم را بررسی خواهیم کرد.

مفهوم «دانش»

مواجهه با مفهوم «دانش» و پرداختن به آن، به قدمت تاریخ تفکر انسان است. همه اندیشمندان از افلاطون

گرفته تا دکارت و کانت در جست‌وجوی اصطلاحی بوده‌اند که ماهیت دانش را بیان کند. اما پیچیدگی مفهوم دانش موجب شده است دیدگاه‌های مختلفی در خصوص آن شکل بگیرد. از این‌رو، برخی نظریه‌پردازان بزرگ دانش را به‌عنوان منبع کلیدی عصر اطلاعات معرفی می‌کنند و آن را به‌عنوان ترکیب قابل‌تغییری متشکل از تجارب، ارزش‌ها، اطلاعات بافتی و نگرش‌های متخصصانه، که چارچوبی برای ارزشیابی و یکسان‌سازی تجارب و اطلاعات جدید فراهم می‌آورد، در نظر گرفته‌اند. به زعم آنان، دانش در سازمان‌ها معمولاً علاوه بر اسناد یا منابع، شامل روال‌های عادی، روندها، رسوم و هنجارهای سازمانی نیز می‌گردد (چناری، ۱۳۸۹، ص ۶۸). «دانش»، اطلاعات سازمان‌دهی و آنالیز شده است که به شکل کاربردی و قابل‌درک، به منظور حل مسائل و یا تصمیم‌گیری درآمده است. به عبارت دیگر، دانش، شامل حقایق، باورها، دیدگاه‌ها، مفاهیم، قضاوت‌ها و انتظارات روش‌ها و دانستن «چگونه» هاست (هاشمیان بجنورد و منهج، ۱۳۸۶، ص ۱۸).

از دیدگاه برخی صاحب‌نظران، «دانش» به دو دسته «آشکار» (صریح) و «پنهان» (ضمنی) تقسیم می‌شود. «دانش صریح» دانشی است که می‌تواند به صورت رسمی و زبانی بیان شود و جملات دستوری، فرمول‌های ریاضی، شرح جزئیات و مانند آن را دربر می‌گیرد و در میان افراد به صورت رسمی و آسان قابل انتقال است. دستورالعمل‌ها، مقررات، قوانین، رویه‌های انجام کار، آیین‌نامه‌ها و مانند آن که به صورت رسمی در بین افراد سازمان به آسانی قابل انتقال هستند، «دانش صریح» به حساب می‌آیند. از سوی دیگر، «دانش ضمنی» دانشی است که ارائه آن با زبان رسمی دشوار است و نوعی دانش شخصی محسوب می‌شود که در تجربه افراد نهفته است و شامل عوامل ناملموس و نامحسوسی از قبیل مهارت و تجربه بوده، غالباً به وسیله مداومت و تمرین حاصل می‌شود. دانش ضمنی در بسیاری از سازمان‌ها هرگز ثبت و ذخیره نمی‌شود، هرچند ماهیت آن برای قرارگرفتن در هسته عملیاتی سازمان شناسایی می‌شود. به بیان ساده‌تر، «دانش» تجربه‌ای است که یک فرد در طول سال‌ها، از طریق تجربه، تعامل با دیگران و آزمون سعی و خطا آن را به دست آورده است (بهادری‌فرد، ۱۳۹۴، ص ۲۴).

از سوی دیگر، در اسلام نیز روایات متعددی وجود دارد که دانش را به دو دسته «حقیقی» و «غیرحقیقی» تقسیم می‌کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «دانش دو نوع است: دانشی که در قلب انسان است. این نوع دانش، سودمند است. نوع دوم؛ دانشی است که بر زبان جاری است. این نوع دانش حجت خداوند بر بندگانش است. «العلم علما علم فی القلب فذلک العلم و علم فی اللسان فذلک حجه علی العباد» (کنزالفوائد، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۰۷)، همچنین امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «دانش دوگونه است: دانش سرشته در طبیعت، و دانش شنیده (ظاهری)؛ و تا دانش سرشته در طبیعت نباشد، دانش شنیده و ظاهری سودی ندارد (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۵۳۴).

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرمایند: «علم بسیار خواندن و آموختن نیست، علم نوری است که خدا در دل کسی که بخواهد راه را به او بنماید، می‌اندازد» (منیه المرید، ۱۴۰۹، ص ۱۶۷).

از این روایات، می‌توان استنباط کرد که اگر علم سودمند نباشد چه خواهد بود؟ یا زیانمند است و یا خنثا و بی‌سود و زیان. بدین‌روی، پرهیز از دانشی که زیانمند است و دانش بیهوده، موجب می‌شود که هدف ما از علم و دانش، نوع سودمند آن باشد. حقیقت دانش، نوری است که در پرتو آن، انسان جهان را آن‌گونه که هست، می‌بیند و جایگاه خود را در هستی می‌یابد. نور دانش مراتبی دارد که بالاترین آن، نه تنها انسان را با راه تکامل خود آشنا می‌کند، بلکه او را در این مسیر حرکت می‌دهد و به مقصد اعلای انسانیت می‌رساند. در این بین، جوهر دانش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. جوهر دانش به دانش، ارزش حقیقی می‌بخشد؛ یعنی دانش را در خدمت انسان و در جهت تکامل و به‌ورزی او قرار می‌دهد و بدون آن، نه تنها دانش فاقد خواص و آثار دانش می‌شود، بلکه تبدیل به یک عنصر ضد ارزش و ضد انسانیت می‌گردد.

نکته قابل توجه این است که وقتی دانش جوهر و خاصیت خود را از دست داد، نه تنها با جهل مساوی می‌شود، بلکه از جهل زیان‌بارتر می‌گردد؛ زیرا حرکت انسان را به سوی انحطاط و سقوط، تسریع می‌بخشد. دانش وقتی جوهر و جهت حقیقی خود را از دست داد، درست مانند راهنمایی است که به جای آنکه انسان را در مسیر قرار دهد، او را به انحراف می‌کشانند. اینجاست که دانش هر چه بیشتر پیشرفت کند، برای جامعه انسانی خطرناک‌تر خواهد بود. بدین‌روی، هنگامی که دانش، جوهر و خاصیت نداشته باشد، با جهل یکی است (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۶).

جوهر دانش در قرآن و روایات، ویژگی‌ها و آثار و نشانه‌هایی دارد که مهم‌ترین آنها عبارت است از:

- ریشه داشتن نور دانش در فطرت انسان: همه آیات و روایاتی که خدانشناسی را فطری می‌دانند، به این ویژگی دانش اشاره دارند.
- یکی بودن جوهر دانش: جوهر دانش، یک حقیقت بیش نیست و شاید این سخن امام علی علیه السلام که «العلم نقطه کثیرا الجاهلون» (عوالی اللعالی العزیزیه فی الاحادیق الدینیة، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۱۲۹). دانش نقطه‌ای بود نادان‌ها آن را زیاد کردند، اشاره به این ویژگی داشته باشد.
- تفکیک‌ناپذیری حقیقت دانش از ایمان: به گفته امام علی علیه السلام، ایمان و دانش، برادران هم‌زادند و دو رفیق‌اند که از هم جدا نمی‌شوند (غررالحکم و دررالکلم، ۱۴۱۰، ص ۹۵).
- اخلاق شایسته از برکات نور دانش: یکی از آثار و برکات حقیقت نورانی دانش، خودسازی، اخلاق نیکو و صفات پسندیده است. امام علی علیه السلام فرمودند: هر اندازه دانش انسان افزون گردد، توجه وی نسبت به نفس خود بیشتر گردد و در ریاضت و اصلاح آن کوشش بیشتری مبذول کند (همان، ص ۵۳۵).
- جداناپذیری جوهر دانش از عمل شایسته: یکی از ویژگی‌های برجسته نور دانش، عمل صالح است. از نظر احادیث، «اعمال شایسته ثمره دانش است، و بدون عمل، چراغ دانش در وجود انسان خاموش می‌شود» (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۶).

نکته قابل ذکر در خصوص دانش، این است که دانش مفهومی فراتر از داده و اطلاعات است. «داده» یک واقعیت از یک موقعیت و یا یک بخش از یک زمینه خاص بدون ارتباط با دیگر چیزهاست. داده‌ها منعکس‌کننده تعاملات و مبادلات کامل و واحد و منسجمی هستند که تحت عنوان «جزء ناچیز» از آنها یاد می‌شود. با اضافه شدن زمینه و تفسیر به داده‌ها و برقراری ارتباط بین آنها، اطلاعات شکل می‌گیرد. از سوی دیگر، اطلاعات داده‌های ترکیبی و مرتبط همراه با زمینه و تفسیر آن به‌شمار می‌روند. اطلاعات در واقع، داده‌های خلاصه شده هستند که گروه‌بندی، ذخیره، پالایش، سازمان‌دهی و تحلیل شده‌اند تا بتوانند زمینه را روشن سازند. حال با اضافه کردن درک و حافظه به اطلاعات و خلاصه‌سازی هر چه بیشتر اطلاعات اولیه، می‌توان به دانش رسید. دانش در این حالت را می‌توان بینش‌های حاصل از اطلاعات و داده‌هایی تعریف کرد که می‌تواند به روش‌های گوناگون و در شرایط متفاوت مؤثر و قابل تقسیم باشد. دانش از طریق تجربه، استدلال، درک مستقیم و یادگیری حاصل می‌گردد و هنگامی که دانش به اشتراک گذاشته می‌شود، دانش میان افراد افزایش می‌یابد و از ترکیب دانش افراد، دانش جدید حاصل می‌شود. در نهایت، زمانی که دانش به مرحله تکامل و کاربرد می‌رسد از آن می‌توان به‌عنوان «خرد» یاد کرد (سهرابی یورتچی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۹۹ و ۱۰۰).

همین اصل در قرآن و احادیث نیز مطرح است؛ چنانکه در آیه ۱۲۵ سوره نحل، سلسله‌مراتب مطرح شده برای حصول به دانش اکمل — را به ترتیب — داده‌ها و مسلمات کلیات وحی و آیات، و به دنبال آن اطلاعات، دانش، بصیرت و حکمت می‌داند. «حکمت» دارای معانی متعددی است، اما شاید به استناد بیان حضرت علی علیه السلام که فرمودند: «علم و دانش صاحب خود را بلند می‌گرداند، و حکمت موجب رشد و راه یافتن او می‌شود»، بتوان «حکمت» را تبلور عملی دانش با عمل دانست. از سوی دیگر، از نظر لغوی، برای «حکمت» دو معنای بنیادین بیان شده است: «منع» و «استواری». یعنی حکمت مانع نادانی و خوی زشت است. در اصطلاح قرآن و سنت، گفته‌اند: «حکمت» یعنی: مقدمات علمی، عملی و روحی برای نیل انسان به هدف والای انسانیت. براین‌اساس، حکمت را سه قسم دانسته‌اند که هر کدام پله‌های نردبان ترقی انسان به مقام کامل انسانی و کمال مطلق است. پله اول این نردبان را پیامبران الهی بنا نهادند، و وظیفه انسان است که پله دوم را بسازد. اما نردبان سوم بر خدای متعال است که آن را کار بگذارد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۰۸).

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که رسیدن به اهداف سازمان با استفاده بهینه از دانش و یا توانایی یک سازمان از سرمایه معنوی (تجربه و دانش فردی نزد هر فرد) و دانش دسته‌جمعی به منظور دستیابی به اهداف خود، از طریق فرایندی شامل تولید دانش، تسهیم دانش و استفاده از آن به کمک فناوری مدیریت دانش است (سهرابی یورتچی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۹۸).

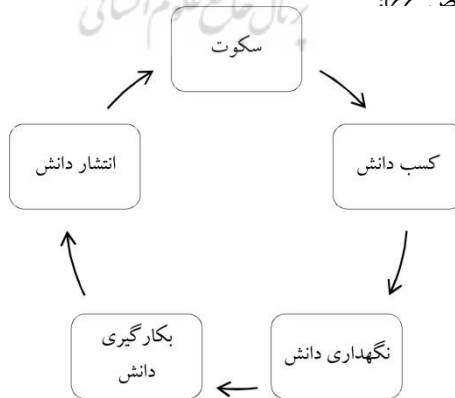
مدیریت دانش از نگاه منابع اسلامی

«مدیریت دانش» یکی از رویکردهای مهم و ارزشمند سازمان‌های پیشرو به‌شمار می‌رود که با استقرار چنین

نظامی نه تنها می‌توانند از خروج و زایل شدن دارایی فکری سازمان جلوگیری کنند، بلکه شاهد افزایش کیفیت سرمایه‌های انسانی از طریق تدوین فرایندهای نظام‌مند بررسی، تولید و کسب دانش، ارزش‌گذاری و انباشت دانش و در نهایت ترویج و گسترش آن در لایه‌های گوناگون سازمان خواهند بود. هدف از مدیریت دانش در سازمان‌ها فراهم‌آوری و نگاه‌داشت دانش، تخصص و تجربه‌های جمعی در داخل سازمان و حتی در خارج سازمان در صورت ارزشمندی و ارتباط با اهداف سازمان به‌منظور انتقال و به اشتراک‌گذاری با دیگران است (بهداری فرد، ۱۳۹۴، ص ۱۱). با اندک تأملی در کلمات پیشوایان دینی، می‌توان دریافت که در اسلام نیز امر و ترغیب به دانش‌اندوزی و توصیه به مدیریت دانش از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. نمونه ذیل شاهد بر این مدعا است:

مردی خدمت رسول خدا ﷺ آمد و گفت: یا رسول الله، «دانش» چیست؟ فرمودند: «سکوت کردن». گفت: سپس چه؟ فرمودند: «گوش فرادادن» گفت: سپس چه؟ فرمودند: «حفظ کردن» گفت: سپس چه؟ فرمودند: «به آن عمل کردن». گفت: سپس چه؟ رسول خدا ﷺ فرمودند: «انتشار دادن» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۴۸). همچنین از امام باقر^ع نقل شده است که در ایام فتح مکه، پیامبر اسلام ﷺ در محوطه کعبه ایستاده بودند که هیأتی از نمایندگی قبیله بکرین وائل به محضر رسول خدا ﷺ آمدند و به ایشان سلام کردند. رسول خدا ﷺ از آنها درباره قُسن ساعده پرسیدند. آنها در پاسخ گفتند: مُرد. پیامبر خدا در حق او دعا کردند و از صفات و رفتار نیک او یاد نمودند و گفتند: «او برای مردم خطبه می‌خواند و می‌گفت: ای مردم، گرد آیید، و چون گرد آمدید، خاموش شوید، و چون خاموش شدید، گوش دهید، و چون شنیدید، بیندیشید و کامل فرابگیرید، و چون فراگرفتید، به خاطر بسپارید، و چون به خاطر سپردید، درست نقل کنید و انتشار دهید» (کراجکی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۳۴).

با توجه به نکات یاد شده، فرایند مدیریت دانش از منظر اسلام را می‌توان به صورت شکل ۱ ارائه داد (منطقی و اکبری، ۱۳۹۲، ص ۶۶):



شکل (۱). فرایند مدیریت دانش از منظر اسلام

سکوت

در مرحله سکوت، به مسائل، مشکلات و نیازهای سازمان، قلمرو، وسعت، عمق، اعتبار، دقت، به موقع بودن، ربط داشتن، هزینه کنترل و جامعیت دانش، توجه لازم صورت می‌گیرد؛ مثلاً، چه دانشی لازم است کسب شود؟ طی چه زمان و کدامین منبع؟ چه دانشی باید در اولویت باشد؛ واژه «انصات» که در احادیث نقل شده است، می‌تواند حاکی از سکوتی همراه با تفکر، دقت در مسائل و شناسایی دانش باشد (منطقی و اکبری، ۱۳۹۲، ص ۶۶). به عبارت دیگر، این سکوت، سکوت انفعالی نیست، بلکه سکوت فعالانه و همراه با تفکر به منظور شناسایی دانش است؛ چنان که در حدیثی آمده است: «أولُ الْعِلْمِ الْإِنْصَاتُ»؛ اولین فرایند دانش، سکوت است (دیلمی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۵). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الصمت شعار الْمُحَقِّقِينَ»؛ سکوت، شعار پژوهشگران است (مصباح‌الشریعه، ۱۴۰۰ق، ص ۱۰۱).

کسب دانش

کسب دانش فرایندی پنج مرحله‌ای شامل استخراج، جمع‌آوری، تحلیل، الگوسازی و اعتبارسنجی دانش است و برای کسب دانش، ابتدا باید شناختی از سازمان صورت پذیرد و سپس با استخراج دانش، از منابع دانشی سازمان، پایگاه دانشی در سازمان ایجاد کرد تا همگان از آن بهره‌جویند (قاضی‌زاده فرد و عطائی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۵). کسب دانش از منظر اسلام، استماع و گوش دادن است؛ یعنی پس از آنکه دانش ضروری سازمان با سکوت و تفکر شناسایی شد، مدیری که مسئول امور دانشی سازمان است، لازم است کارکنان دانشی را برای کسب دانش، بسیج کند و آنها را از حیث مادی و معنوی تشویق کند. کسب دانش به توانمندیها، مهارتها و تمایلات نیروی انسانی، مانند تفکر، پرسش، تواضع، صبر و استقامت و امثال آن وابسته است تا کارکنان، دانش مورد نیاز سازمان را کسب کنند و از صفات و رفتارهای منفی، مانند تکبر، حسادت، پنهان کاری و امثال آن، که محل امور یادگیری است، اجتناب ورزند؛ چنان‌که در حدیثی، امام صادق علیه السلام طمع، بخل، خودنمایی، تعصب، خودستایی، حقیقت‌گریزی، زحمت، لفاظی، کم‌حیایی، فخرفروشی، و ترک عمل به دانش را از آفات دانشمندان برشمرد (مصباح‌الشریعه، ۱۴۰۰ق، ص ۲۰). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در حدیثی می‌فرماید: «طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است. خداوند جویندگان دانش را دوست دارد» (همان، ص ۱۳).

ابزارهای کسب دانش از دیدگاه اسلامی

با مروری بر آیات و روایات، می‌توان فهمید که در انسان، سه ابزار برای کسب دانش وجود دارد که در حقیقت، دانش و آگاهی‌های انسان از این ابزارها حاصل می‌شود. این ابزارها عبارتند از: حس، عقل و قلب. در مباحث معرفت‌شناسی در علوم اسلامی، قلب به‌عنوان مرکز معارف شهودی است. «قلب» در کنار «عقل» به‌عنوان

یکی از ابزارهای دانش و شناخت به‌شمار می‌رود. از این‌رو، راه‌های کسب دانش به وسیلهٔ ابزارهای حس و عقل را می‌توان عوامل ذیل در نظر گرفت:

۱. تفکر: خداوند متعال در باب تفکر در آیهٔ ۲۴ سورهٔ یونس می‌فرماید: «ذَلِكُمْ نَفْصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُفَكَّرُونَ» (یونس: ۲۴) بدین‌سان، آیات و نشانه‌های خود را برای گروهی که تفکر می‌کنند، شرح می‌دهیم.
۲. آموختن: پیامبر اکرم ﷺ در خصوص آموختن می‌فرماید: «أَنَا الْعِلْمُ بِالتَّعَلُّمِ» (نهج الفصاحه، ۱۳۸۲، ص ۳۴۴). دانش فقط به آموزش است.
۳. عبرت گرفتن: امام علی ﷺ در خصوص عبرت گرفتن می‌فرماید: «هر کس عبرت بگیرد بینا شود، و هر کس بینا شود می‌فهمد، و هر کس بفهمد دانشمند شود (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۸)
۴. تجربه‌اندوزی: امام علی ﷺ در باب تجربه‌اندوزی می‌فرماید: «فِي التَّجَارِبِ عِلْمٌ مُسْتَأْنَفٌ» (الکافی، ط). الاسلامیه، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۲۲). در تجربه‌ها دانشی تازه است.
۵. شناخت ضدها: برای نمونه، امام علی ﷺ می‌فرماید: از ادراک آفرینی او معلوم شد که از ادراک بی‌نیاز است. از جوهر آفرینی او دانسته شد که جوهری ندارد از نهادن تضاد میان اشیا معلوم گردید که ضدی ندارد. و از مقارنه‌ای که میان چیزها برقرار کرد فهمیده شد که قرینی ندارد» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹، ص ۱۱).

نگه‌دای دانش

نگه‌داری دانش یکی دیگر از عوامل مهم در مدیریت دانش به‌شمار می‌آید. برای این منظور، دستهٔ وسیعی از ابزارهای مستندسازی با هدف تدوین و مکتوب ساختن دانش خبرگان سازمان به کار گرفته می‌شوند. نتیجهٔ این کار مستنداتی است که از طریق پایگاه دانش سازمان، در اختیار کارکنان قرار می‌گیرد. هدف اصلی از این کار تسهیل و تسریع فرایند انتشار دانش در سازمان است (بهادری فرد، ۱۳۹۴، ص ۶۰). در این بین، اگر حافظه‌های سازمانی به خوبی عمل نکنند، ممکن است بخش‌های مهمی از دانش به دست فراموشی سپرده شود. فراموشی سازمانی منجر به از دست دادن داوطلبانهٔ یا غیر داوطلبانه دانش سازمانی می‌گردد و فرایندی است که پس از یادگیری اتفاق می‌افتد. این بدان مفهوم است که یک سازمان ابتدا دانش را یاد گرفته، پس از آن، آگاهانه یا ناآگاهانه آن را فراموش می‌کند. این دانش دربرگیرندهٔ موضوعات همچون مهارت‌ها، روش‌ها، فرایندها، تجربیات، مستندات و متون قابل استفاده در سازمان است (سهرابی یورتچی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۰۲).

در باب نگاه‌داری دانش از منظر اسلام، باید به این نکته اشاره کرد که افراد و سازمان‌های دانش پس از آنکه دانش مورد نیاز خود را کسب کردند، مناسب است آن را نگاه‌داری کنند، تا مبدا دانش ایجاد شده از حافظهٔ سیستم پاک شود و یا افراد آن را فراموش کنند؛ همان‌گونه که گفته شده است: «لِكُلِّ شَيْءٍ أَفْهٌ، وَ لِلْعِلْمِ أَفَاتٌ»؛ هر چیزی آفتی دارد، اما برای دانش آفات زیادی است (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۹۸).

یکی از آفت‌های دانش، «فراموشی» است؛ چنانکه رسول اکرم ﷺ فرمودند: «أَفَقَهُ الْعِلْمُ النَّسِيَانُ» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۷).

امام صادق ﷺ فرمودند: علم خویش را بنویس و میان برادرانت انتشار ده، و هنگامی که مرگت فرا رسيد کتاب‌های خود را به ارث برای فرزندان باقی بگذار؛ زیرا زمانی پراشوب خواهد آمد که مردم به چیز دیگری جز کتاب نمی‌توانند انس بگیرند (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۵۴). رسول اکرم ﷺ فرمودند: «چهار چیز بر هر صاحب عقلی از امت من واجب است». گفتند: ای پیامبر، آن چهار چیز چیست؟ فرمودند: «به علم و دانش گوش فرا دادن؛ و آن را حفظ کردن؛ و در میان مردمان نشر دادن؛ و خود به کار بستن» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۷).

به کارگیری دانش

هدف نهایی مدیریت دانش، کاربرد دانش در جهت بهبود عملکرد سازمانی است. بسیاری از صاحب‌نظران این مرحله را مهم‌ترین گام در فرایند مدیریت دانش می‌دانند؛ زیرا مزیت رقابتی تنها منوط به داشتن منابع غنی و سرشار دانشی نیست، بلکه در گرو کاربرد آن منابع دانشی در عملیات و تصمیم‌های سازمانی است. زمانی که کارکنان بهترین تجارب را در موقعیت‌های جدید برای بهبود عملکردشان به کار گیرند، آن تجربیات را جرح و تعدیل کرده، مجموعه جدیدی از بهترین تجربیات را به دست می‌آورند (قاضی‌زاده فرد و عطائی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۲ و ۱۴۳).

به‌طور کلی، تمرکز اصلی در مدیریت دانش، روی به کارگیری دانش سازمانی است. دانشی که به کارگیری نشده باشد و برای مسائل عملی پیش رو به کار گرفته نشود، برای سازمان ارزش‌افزا نخواهد بود (لاودن و لاودن، ۱۳۹۲، ص ۴۱۳). در دیدگاه اسلامی، دانش و عمل با یکدیگر رابطه دارند. «الْعِلْمُ بِغَيْرِ عَمَلٍ وَبَالٌ»؛ دانشی که به کار گرفته نشود، آفت و وبال است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۷۹)؛ یعنی دانش مورد نیاز زمانی که کسب شد، باید محل استفاده سازمان‌ها قرار گیرد؛ فرایند کاری کارکنان را تسهیل کند و اهداف مادی و معنوی سازمان را تأمین نماید. دانشی که برای کسب آن زحمت کشیده شود، اما از آن استفاده نشود و منشأ عمل قرار نگیرد، وبال و موجب گرفتاری انسان خواهد بود. امیرالمؤمنین ﷺ فرمودند: «عمل‌کننده بی‌دانش مانند رونده در بیراهه است؛ هرچه از راه روشن دورتر رود، از مقصودش دورتر می‌شود. عمل‌کننده، با دانش، مانند رهسپار راه روشن است. پس بیننده باید نیک بنگرد که آیا پیش‌رونده است، یا واپس آمده» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۹، ص ۶۰۱).

خداوند در سرزنش افرادی با ایمان و دانشمند که دانش خود را به کار نمی‌گیرند، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف: ۲)؛ ای اهل ایمان، چرا آنچه را می‌گویید به آن عمل نمی‌کنید؟

رسول اکرم ﷺ فرمودند: سخت‌ترین عذاب در روز قیامت از آن کسند پیامبر یا پدر و مادرش و یا دانشمندی است که از دانش خود بهره‌ای نجسته است (فتال نیشابوری، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۰).

در منابع اسلامی، افراد و مصادیقی از دانشمندان بیان شده‌اند که به خاطر عمل نکردن و سوءاستفاده از دانش، مذمت شده‌اند. مشهورترین کسی که در منابع اسلامی به آن اشاره شده، «بلعم باعورا» است که اسم اعظم الهی را می‌دانست و خداوند دعا‌های وی را اجابت می‌کرد، اما سرانجام، به طرف فرعونیان میل کرد و عقوبت گردید و از الاغش، که وی را همراهی نکرد، به‌عنوان یکی از حیوانات قابل ستایش در قرآن مدح شده است (اعراف: ۱۷۶).

انتشار دانش

مسائلی همچون چگونگی به اشتراک‌گذاری دانش موجود و انتقال آن به محل مناسب و مورد نیاز و چگونگی انتقال دانش، به گونه‌ای که در سازمان قابل دسترسی و استفاده باشد و نیز چگونگی انتقال دانش از سطح فردی به سطح گروهی و سرانجام، سطح دانش سازمانی از جمله موضوعاتی است که در دستور کار این بخش از مدیریت دانش قرار می‌گیرد (سهرابی یورتچی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۱۹).

در منابع اسلامی، در باب انتشار دانش حدیثی نقل شده است، با این مضمون «فرایند مدیریت دانش با سکوت آغاز می‌گردد و با انتشار و توزیع به دیگران پایان یافته، کامل می‌گردد» (دیلمی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۵).

امیرالمؤمنین ﷺ فرمودند: «بر هر دانشمندی واجب است خود را با پارسایی حفظ کند و دانش خود را به جویندگان آن، بذل و بخشش نماید» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۴).

در همین زمینه، امام کاظم ﷺ فرمودند: «زکات دانش، یاد دادن آن به دیگران است» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۴۱). امام علی ﷺ فرمودند: «کسی که بمیرد و میراثش دفتر و دوات باشد، بهشت بر او واجب می‌شود» (دیلمی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۷۶).

در اسلام، کسانی که از دانش بهره گرفته‌اند، باید شکرگزار الهی باشند، به دانش خود عمل کنند و دانش فراگرفته را به دیگران ببخشند. امیرالمؤمنین فرمودند: «سپاس‌گزاری دانشمند این است که به دانش خود عمل کند و آن را به افراد مستحق ببخشد» (کراجکی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۰۸).

مدیریت اسلامی دانش محور و تبیین اهمیت آن از دیدگاه اسلام

در دنیای معاصر، سازمان‌ها رکن اصلی جوامع هستند. شرایط مختلف زمانی و مکانی و نیازهای گوناگون انسان‌ها موجب ظهور و گسترش روزافزون سازمان‌ها و مؤسسات شده است. سازمان‌ها هنگامی می‌توانند در انجام مأموریت‌ها و رسیدن به اهداف خود موفق شوند که از مدیریتی توانمند و کارآمد برخوردار باشند؛ زیرا

مدیریت مهم‌ترین عامل تداوم حیات و استمرار موفقیت سازمان است و نقش مهم و حیاتی در رشد، بالندگی و پیشرفت سازمان بر عهده دارد (آقا پیروز و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۳).

از نظر اسلام، مدیریت یک تشکیلات به کسی واگذار می‌شود که صرف‌نظر از ایمان و اعتقاد به ارزش‌های مکتبی، دانش اداره و آگاهی‌های لازم را نسبت به آن تشکیلات داشته باشد. این موضوع را می‌دانیم که گاهی یک سازمان و یا تشکیلات، نیاز به آگاهی‌های فنی دارد و در بعضی از سازمان‌ها، هم دانش فنی و هم دانش اجتماعی و سیاسی لازم است که در هر صورت، مدیر آن مجموعه باید از دانش‌های لازم برخوردار باشد که امروز این‌گونه آگاهی‌ها را «تخصص» می‌نامند. اسلام این اصل عقلی را که «باید کار را به کاردان سپرد» قبول دارد و در تعلیمات خود، چنین آموزش می‌دهد که اداره امور در بخش‌های گوناگون جامعه، باید به کسی سپرده شود که دانش آن کار را داشته باشد و به اصطلاح، «اهل فن» باشد (تقوی دامغانی، ۱۳۷۴، ص ۱۲۹).

قرآن کریم به‌عنوان اصلی کلی، پیروان خویش را این‌گونه راهنمایی می‌کند: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل: ۴۳)؛ همیشه آگاهی‌های خود را از آگاهان و دانشمندان بگیرید. در همین زمینه، لسان گویای روایات، با نگرشی دیگر، عنان حل مشکلات را تا حد فراوانی به دست اندیشوران می‌سپارد و بر این اعتقاد استوار است که گره کور حوادث واقع را باید با دست نیرومند آگاهان به مبانی اسلام باز کرد: «وَأَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَأَقِئَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةٍ حَدِيثًا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ»؛ آنان که بدون دانش و آگاهی و نداشتن تخصص در امور، دخالت عملی یا نظری می‌کنند از دیدگاه اسلامی، به شدت مورد انتقاد قرار گرفته‌اند (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۸، ص ۱۰۱).

علاوه بر این، قرآن در سوره بقره داستان انتخاب یکی از پیامبران بنی‌اسرائیل به نام طالوت برای مدیریت اجتماع را بیان کرده و یکی از معیارهای انتخاب او را «علم و دانش» او می‌داند: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَيْهِ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ» (بقره: ۲۴۷) همانا شما ای بنی‌اسرائیل بهانه‌گیر، که حاضر به پذیرش رهبری طالوت نیستید و اعتراض می‌کنید که چرا او باید رهبر و مدیر جامعه باشد، بدانید که خداوند او را از این نظر برگزیده است که دانش و آگاهی وسیعی دارد.

در سوره یوسف نیز می‌خوانیم، هنگامی که یوسف از زندان بیرون آمد و نزد عزیز مصر، مقام و تقوایش روشن شد از حضرت یوسف خواست برای اداره مملکت و پذیرش مسئولیت به او کمک کند. آن پیامبر پست خزانه‌داری کشور مصر را پذیرفت و معیار و ملاک پذیرش این پست را چنین بیان داشت: «اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْكُمْ» (یوسف: ۵۵)؛ مسئولیت و مدیریت خزانه‌ها و دارایی‌های این سرزمین را به من بسپار؛ چون امانت‌دار و دانای به کار هستم. حضرت یوسف در این سخن، به دو صفت اساسی «حفیظ» (امانت‌داری) و «علیم» (آگاهی و علم و تخصص) اشاره کرده است. بنابراین، از مطالب ذکر شده می‌توان

چنین نتیجه گرفت که مدیریت از آن کسی است که به مسائل ذی‌ربط داناتر است و نسبت به زمینه‌های کاری، آگاه‌تر. حضرت علی علیه السلام در حکمت ۹۲ **نهج البلاغه** می‌فرماید: «نزدیک‌ترین مردم به پیامبران کسانی هستند که نسبت به تعلیمات آسمانی آنان، که از جانب خداوند آورده‌اند، داناتر باشد».

علاوه‌براین، با مراجعه به منابع دینی، می‌توان به این نتیجه رسید که دین مبین اسلام در زمینه فراگیری علم و دانش نیز توصیه‌های مکرر و فراوانی دارد. همین امر موجب گردید تا مسلمانان با یادگیری علوم و نیز بهره‌گیری از معارف دین، پایه‌گذار تمدنی پایدار شوند که تا سالیان دراز بر تارک تاریخ بدرخشد.

نکته قابل توجه این است که ترغیب به علم و دانش منحصر به علوم دینی نیست، بلکه شامل همه علمی می‌شود که برآورنده نیازی از نیازهای فردی و اجتماعی مسلمانان باشد (آقایپور و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۱). نمونه‌های ذیل مؤید این مدعاست:

«خُدُوا الْعِلْمَ مِمَّنْ عِنْدَهُ؛ وَ لَاتَنْظُرُوا إِلَى عَمَلِهِ»؛ علم را از هر آنکه در نزد اوست فراگیرید و به عمل او نگاه نکنید (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۹۷).

«خُدُوا الْحِكْمَةَ وَ لَوْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»؛ حکمت را کسب کنید، اگرچه از اهل شرک باشد (همان).

این روایات در ابتدای گسترش اسلام، چنان بصیرتی در میان مسلمانان به وجود آورد که فضای زیبایی برای فراگیری علوم ایجاد کرد و مسلمانان با چنین طرز تفکری در مدت کوتاهی توانستند پیشرفت‌های چشم‌گیری در علوم به دست آورند. البته انتقال علوم به دنیای اسلام و فراگیری آن به صورتی منفعلانه و با پذیرش مطلق همراه نبود؛ زیرا همان پیشوایانی که ترغیب به دانش‌افزایی از همه کس و از هر کجا می‌نمودند، به نقد عالمانه و خردمندانه آن دانش‌ها نیز امر می‌کردند و محور پذیرش و یا عدم پذیرش با معیار عقل را «حق و باطل» می‌دانستند.

قرآن کریم بندگانی که گفتارها را می‌شنوند و سپس از بهترین آنها تبعیت می‌کنند تشویق کرده، فرموده است: «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمره: ۱۸، ۱۷)؛ پس بندگان مرا بشارت ده؛ همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند.

دانش مدیریت نیز از این قاعده مستثنا نیست و باید با فراگیری آن، نیازهای جامعه اسلامی را برطرف ساخت. اما همان‌گونه که گذشت، فراگیری منفعلانه و به‌کارگیری مطلق آن توسط دین موجب توسعه نمی‌شود. در رویکرد دینی، نباید آنچنان منفعلانه برخورد کرد که گویی آنچه از دیگران به‌عنوان معرفتی تجربی به دست می‌آید، همه به مثابه وحی منزل و قطعی است، و نباید به طور کلی، همه محصولات فکری صاحب‌نظران مدیریت را طرد کرد، بلکه باید با بها دادن به فکر و اندیشه بشری، از طریق نقد و بررسی، راه میانه‌ای برگزید تا هم از نتایج سودمند و مفید علم مدیریت بهره‌گیریم و هم از خطاهای نظریه‌پردازان این رشته، که ریشه در دیدگاه مادی آنها به جهان هستی دارد و گاهی نیز متأثر از ارزش‌های غیردینی است،

برحذر بمانیم. گرچه این نقد می‌تواند تجربی باشد، ولی در این مجموعه، عمدتاً نقد دینی مطرح نظر است که بر اساس آن، ملاک‌ها و ارزش‌های دینی محور پذیرش و یا رد نظریه‌ها قرار می‌گیرد و از داده‌های علمی مدیریت، فقط آنچه با ارزش‌ها و ملاک‌های دینی هماهنگ است و یا - دست‌کم - تعارضی با آن ندارد، پذیرفته می‌شود (آقایپروز و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۱۲ و ۱۳).

الگوی ترکیبی مدیریت دانش بر مبنای شاخصه‌های مدیریت دانش اسلامی شیعی

الگوی ترکیبی مدیریت دانش دربردارنده زیرساخت‌های لازم برای مدیریت دانش و فرایندهای آن، شامل پنج گام است: «شناخت»، «برنامه‌ریزی»، «طراحی»، «اجرا» و «ارزیابی» و «بهبود» که بر اساس آن، الگوی مدیریت دانش اسلامی - شیعی شکل می‌گیرد. در ادامه، گام‌های فوق بررسی می‌شود (اخوان و خادم‌الحسینی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۰-۱۲۲).

ایجاد زیرساخت‌های لازم برای مدیریت دانش اسلامی - شیعی

این زیرساخت‌ها عبارت است از:

۱. زیرساخت فرهنگی و اجتماعی: اسلام و جامعه اسلامی جامعه‌ای دانشی است و انسان کامل دانش‌محور است.
۲. حمایت مدیریت و رهبری: قرآن، احادیث و سیره پیامبر و معصومان (ع) انسان را در مسیر بندگی و ساخت جامعه متعالی هدایت کرده‌اند.
۳. سیستم منابع انسانی: ساختار سازمانی، شرح وظایف، انگیزش و موضوعات دیگری همچون نظم در امور، صفوف با «بنیان مرصوص»، شایسته‌سالاری بر مبنای دانش، تنظیم شرح وظایف بر مبنای اهلیت، اطاعت از اولی‌الامر، عدالت و ظرفیت افراد، وجود نظام مؤثر پاداش اخروی و دنیوی را شامل می‌گردد.
۴. گروه‌های دانش: رهبری، مراجع، استادان، کارشناسان تخصصی، طلاب، دانشجویان و اعضای مراکز تحقیقاتی از جمله گروه‌های دانش به‌شمار می‌روند.
۵. شبکه سازمان غیررسمی: تربیت دانش دینی خانواده‌ها، مراسم، اعیاد، عزاداری‌ها، هیأت‌های مذهبی، احترام شیعه به فرهنگ ملی قومی در درون این شبکه قرار دارد.
۶. سازمان رسمی: حوزه‌های علمیه، وزارتخانه‌ها، نهادها، ادارات، زیرمجموعه‌های مرتبط با دانش سازمان رسمی شیعی به حساب می‌آیند.
۷. محیط: جامعه و ترکیب قومی، سنی، مذهبی؛ وضعیت اقتصادی؛ وضعیت سیاسی و به طور کلی، مقتضیات زمان و مکان سازنده محیط هستند.
۸. ابزارهای مدیریت دانش: فناوری‌های آموزشی قرآن، مرور بعد از عمل (محاسبه و مراقبه)، شبکه مشاوره

«وشاوهرهم فی الامر» (عمران: ۱۵۹)؛ مراجعه به خبرگان (راسخون در علم)، مراکز دانش فعال (آنچه نیاز است) نقشه‌های دانش، نظیر نقشه‌های منابع دانش (مثل لزوم مراجعه به فقهای جامع‌الشرائط برای احکام فروع و متکلمان برای اصول دین)، روش استاد و شاگردی (مانند همراهی و متابعت حضرت موسی و خضر^{علیهم‌السلام})، ممیزی دانش (فرقان)، یادگیری از طریق گفت و شنود (نظام مباحثه در حوزه‌ها) از جمله ابزارهای مدیریت دانش است.

۹. فناوری اطلاعات: ایجاد رابطه و تعمیق روابط مدارس علمیه شیعی داخل و خارج با یکدیگر، در دسترس قرار دادن منابع علمی و دینی در سطح جهانی، به روزسازی اطلاعات، سرعت بخشی در ارتباطات، در دسترس بودن شخصیت‌های حقیقی و حقوقی، توسعه کمی مخاطبان از داخل به دوردست‌ترین مناطق، روابط حوزه دین با سایر حوزه‌های جامعه در داخل و خارج، اطلاع‌رسانی مراکز آموزشی و علمی به مخاطبان خاص، روابط استادان و صاحب نظران حوزه دین با یکدیگر، روابط مراکز تحقیقاتی و پژوهشی و روابط متقابل مراکز فرهنگی و تبلیغی، همه از مباحث مطرح در فناوری اطلاعات است.

۱۰. بهبود مستمر: «خداوند درجات دانشمندان را به تدریج بالا می‌برد و فوق هر دانشمند، دانشمندتری است» (یوسف: ۵۶)؛ باید در مسیر کمال و خلافت الهی حرکت کرد؛ به گونه‌ای که دو روز مؤمن با هم یکسان نباشد.

به منظور ایجاد زیرساخت‌های مذکور، باید گام‌هایی برداشت:

گام ۱. شناخت

- با شکل‌گیری شالوده و زیرساخت‌های لازم برای مدیریت دانش اسلامی - شیعی، فرایندهای آن آغاز می‌شود:
- مرحله شناخت محیط شامل: شناخت محیط فردی، محلی، ملی، منطقه‌ای یا بین‌المللی، و شناخت سازمان - جامعه دانشی اسلام؛
- الگوپردازی: از صدر اسلام، رسالت نبی اکرم^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم}، مکتب صادقین^{علیهم‌السلام}، جوامع و سازمان‌های موفق؛
- ممیزی دانش: علوم واجب عینی، علوم واجب کفایی، علوم مستحب و مباح، فراگیری نیکوترین و کاربردی‌ترین دانش‌ها.

گام ۲. برنامه‌ریزی

- راهبرد: راهبرد فرایندگرایی مدیریت دانش با گرایش زنجیره ارزش‌های الهی و ارتباط با زمینه‌بندی؛
- حق تعالی؛

— خط‌مشی: آموزش و انتقال دانش با روش‌های مؤثر سنتی و نوین و به‌کارگیری علوم برای ایجاد جامعه پویا و موفق؛

— مأموریت: دفاع از ارزش‌های دینی و مقابله با هجمه منکران؛

— اهداف: دستیابی به انسان کامل و مدینه فاضله، زمینه‌سازی حکومت جهانی امام عصر ع؛

— برنامه مدیریت دانش: متناسب با اهداف.

گام ۳. طراحی

— نظام‌های مدیریت دانش: به‌کارگیری فناوری به همراه نیروی کاری با لحاظ جنبه‌های انسانی و اصول متعالی دین؛

— منابع دانش: قرآن، سنت، اجماع، عقل و علوم جدید؛

— فرایندهای دانش: شناسایی، تحصیل، توسعه، اشتراک‌گذاری، بهره‌برداری، حفاظت از دانش؛

— ساختار و وظایف: متناسب با خط‌مشی و مأموریت بر اساس شایسته‌سالاری تخصصی و تقوایی؛

— استانداردها: باید برگزیده و یا تعریف شوند.

گام ۴. اجرا

— مدیریت تغییر: بر اساس مقتضیات زمان و مکان، واقعیات عینی و مصلحت؛

— مدیریت خطرپذیری: آشنایی با تهدیدات دینی، قومی، مذهبی؛

— آموزش و فرهنگ‌سازی و ایجاد انگیزه: بر اساس روش‌شناسی قرآن، سنت و احادیث، تکریم دانش و دانشمندان، نقش اساسی علم در موفقیت دنیوی و اخروی، نظام مدیریت دانش و فرایندهای دانش

متناسب با این مرحله.

گام ۵. ارزیابی و بهبود

— شاخص‌ها: علم صائب، عمل صالح، معرفت و عبادت، اخلاص، نیت، شیوه اکتساب دانش، تقوا؛

— معیارها و عملکرد: واقع‌گرایی و حق‌مداری، عدل، انعطاف، محاسبه نفس، و مراقبت اعمال؛

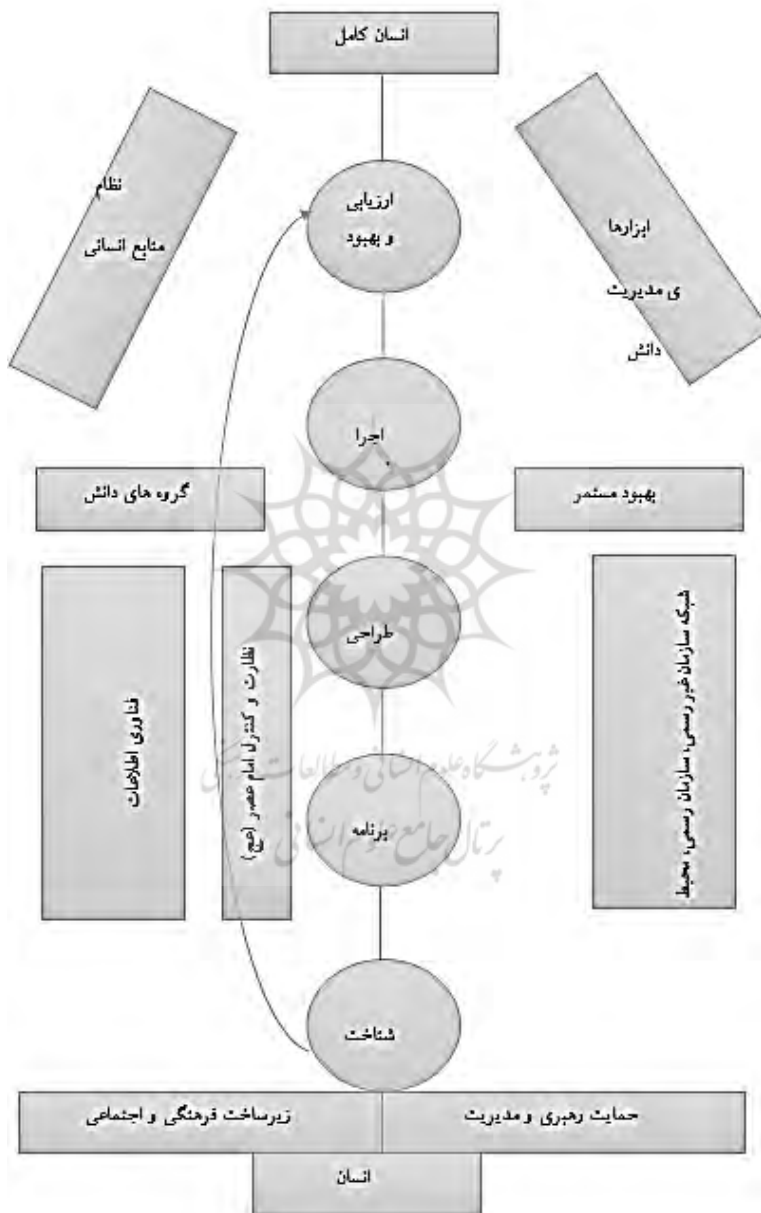
— نظارت و کنترل: علم الهی نامحدود است و تا آنجا که خداوند اجازه رسیدن به آن را به انسان بدهد،

دانش بشری قابل توسعه است. این گسترش به شکل حلزونی و در همه جهات مقدور است؛ اما آنچه آن را در

مسیر صحیح نگاه می‌دارد، نظارت و کنترلی دایمی است که توسط پیامبران، ائمه اطهار ع و در عصر ما، امام

زمان ع و اولی‌الامر ایشان اعمال می‌گردد.

شکل (۲): الگوی ترکیبی مدیریت دانش بر مبنای شاخصه‌های مدیریت دانش اسلامی - شیعی (اخوان و خادم‌الحسینی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۳).



نتیجه گیری

خداوند متعال در قرآن کریم و نبی مکرم اسلام ﷺ و پیشوایان دینی، تأکیدهای فراوانی بر اهمیت دانش و کسب و انتشار آن داشته‌اند. اگر در آیات و روایات نقل شده در این باب تنها به آیه شریفه: «ن و القلم و مایسترون» (آل عمران: ۱۶۴) و یا آیه شریفه «و یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمه» (غررالحکم، ۱۴۱۰، ص ۱۰۴) و یا به حدیث «زکاه العلم نشره»: نظر بیفکنیم، گواهان این مدعا خواهند بود که سراسر دین اسلام بر تشویق و دعوت به علم و دانش بنا نهاده شده، است. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که دین اسلام دین علم‌آموزی و خردورزی است.

مفهوم «دانش» در منابع اسلامی شامل آموزه‌های دقیقی است که پس از به دست آمدن توسط فرد مسلمان، باید با آموزش به دیگران، به اشتراک گذاشته شود و از طریق آموزش غنی شده و در نهایت، با عمل به آن، به بهره‌برداری برسد. همچنین مفهوم «مدیریت دانش اسلامی» تلاش در جهت تحقق دانش از طریق دیدگاه اسلامی است. کاربران دانش اسلامی دیدگاهی مثبت نسبت به موجودیت دانش، حد و مرزها و انواع آن دارند. در نتیجه، آنها دانش را به‌عنوان بخشی از فعالیت‌های روزانه زندگی خود می‌بینند. فرایند «مدیریت دانش» با الهام از منابع اسلامی، سکوت، کسب دانش، نگاه‌داری دانش، به‌کارگیری دانش، و انتشار دانش است. همچنین فرایند مزبور از سکوت تا انتشار دانش، همگی یک فرایند پویا و پیوسته به‌شمار می‌رود که توقف و گسست در هر چرخه یا فرایند، کل حیات این نظام را به مخاطره می‌اندازد. در این زمینه، اگر بخواهیم به اجمال «مدیریت دانش اسلامی» را با «مدیریت دانش» به‌معنای رایج آن مقایسه کنیم، می‌توان نتایج ذیل را برشمرد:

- در مدیریت دانش اسلامی، منشأ علم و دانش حس و تجربه، عقل، قلب (شامل وحی و الهام و وسوسه) است؛ اما در مدیریت دانش معمول، منشأ علم و دانش فقط عبارت است از: حس و تجربه.
- سعادت دنیا و آخرت از مسائل مدیریت دانش اسلامی است؛ اما در مدیریت دانش معمول، افزایش توان و رقابت مهم‌ترین مسئله به‌شمار می‌رود.
- غایت و هدف مدیریت دانش اسلامی قرب به خداست، لیکن هدف نهایی مدیریت دانش معمول دست یافتن به قدرت و حداکثر سود است.
- در مدیریت دانش اسلامی، موضوعاتی مثل «تقوا و پرهیزگاری» مطرح شده است؛ ولی در مدیریت دانش معمول، موضوعات عینی و ذهنی مطرح می‌گردد.

از مجموع آیات و روایات فراوانی که درباره اهمیت توجه به دانش و جایگاه آن در شریعت اسلام وجود دارد، می‌توان نتیجه گرفت که جامعه اسلامی، جامعه‌ای دانش‌بنیان است که دانش و لوازم آن از آغاز دین با آن همراه بوده و لازمه تحقق هدف غایی از آفرینش انسان و افزار او در این مسیر است. از سوی دیگر، در

سازمان‌های دین‌مدار و جوامع علمی، که بر اساس مفاهیم مدیریت دانش و به‌کارگیری الگوهای مدیریت دانش، به ویژه الگوی ترکیبی مدیریت دانش اسلامی بنیان نهاده شده است، توانمندی لازم برای رقابت و مقابله با سازمان‌های کشورهای پیشرفته وجود دارد. در این زمینه، قرآن و روش‌شناسی آن به‌عنوان مهم‌ترین مرجع و منبع دانش اسلامی، می‌تواند منبع قابل توجهی برای استنتاج و الگوبرداری و ارائه الگوهای نوین و کاربردی به منظور پیاده‌سازی مدیریت دانش بومی در سازمان‌های ما باشد.



منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۸۹، ترجمه محمد دشتی، چ چهارم، قم، بوستان کتاب.
- آقایپروز، علی و همکاران، ۱۳۸۸، *مدیریت در اسلام*، چ ششم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آخوان، پیمان و سیدپیمان خادم‌الحسینی، ۱۳۹۲، «تبیین مدیریت دانش از دیدگاه اسلام»، *مدیریت اسلامی*، سال بیست و یکم، ش ۲، ص ۹۹-۱۲۶.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، ۱۴۰۵ق، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه*، قم، دار سید الشهداء للنشر.
- بوکوویتز، وندی آرو روت ال، ویلیامز، ۱۳۹۳، *مدیریت دانش کاربردی*، ترجمه علی حسین کشاورزی و علی رضائیان، چ دوم، تهران، سمت.
- بهادری فرد، عبدالرضا، ۱۳۹۴، *مدیریت دانش با رویکرد افزایش سطح بلوغ*، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری دیباگران.
- پاینده، ابو القاسم، ۱۳۸۲، *نهج الفصاحه* (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول، ﷺ)، تهران، دنیای دانش.
- تقوی دامغانی، سیدرضا، ۱۳۷۴، *نگرشی بر مدیریت اسلامی*، چ هشتم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- چناری، علیرضا، ۱۳۸۹، *مدیریت دانش*، اولین همایش ملی مدیریت دانش در سازمان‌های آموزشی، محلات، دانشگاه آزاد اسلامی.
- رفعتی شالدهی، حسن و همکاران، ۱۳۸۷، «بررسی الگوی مدیریت دانش در یک مرکز تحقیقاتی نظامی»، *طب نظامی*، ش ۱۰، دوره سوم، ص ۲۵۲-۲۳۷.
- سهرابی یورتچی، بابک و همکاران، ۱۳۹۳، *هوشمندی کسب و کار رویکردی جامع*، تهران، مؤسسه کتاب مهربان نشر.
- طبرسا، غلامعلی و نظریوری امیر هوشنگ، ۱۳۹۳، *مدیریت مبتنی بر هوشمندی سازمانی*، تهران، مؤسسه کتاب مهربان نشر.
- قاضی‌زاده فرد، سیدضیاء الدین و عطایی سیدشکور، ۱۳۹۲، «مدیریت دانش عامل اثربخشی سازمان‌ها (تحلیلی بر نقش اکتساب دانش و تجربه در سازمان‌ها)، *توسعه*، سال هشتم، ش ۱۵، ص ۱۳۷-۱۵۸.
- لاودن کنت‌سی و جین پرایس لاودن، ۱۳۹۲، *نظام‌های اطلاعاتی مدیریت*، ترجمه سیدمجتبی حسینی و سیداکبر مصطفوی، چ چهارم، تهران، فدک ایساتیس.
- منطقی، محسن و ظاهر اکبری، ۱۳۹۲، «مدیریت دانش با الهام از منابع اسلامی، *اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، سال سوم، ش ۱، ۷۶-۵۹.
- مهرعلی‌زاده بدالله، محمدرضا عبدی، ۱۳۸۹، *نظام مدیریت دانش*، تجربه سازمان امور مالیاتی کشور، اهواز، دانشگاه شهید چمران.
- هاشمیان بجنورد ناهید، منهاج محمد باقر، ۱۳۸۶، «دانش چیست؟ مرور ادبیات، مقایسه تعریف، ارائه تعریفی جدید» *رهیافت*، دوره هفدهم، ش ۴۰، ص ۱۷-۲۴.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول عن آل الرسول*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- برقی احمد بن محمد، ۱۳۷۱، *المحاسن*، تصحیح جلال‌الدین محدث، چ دوم، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- تیمی آمدی عبدالواحد، ۱۴۱۰ق، *غرر الحکم*، گردآوری؛ اصغر ناظم زاده قمی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- _____، ۱۴۱۰ق، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- _____، ۱۴۱۰ق، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، تصحیح سیدمهدی رجایی، چ دوم، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی، ۱۴۱۴ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تصحیح علی هلالی و علی سیری، بیروت، دارالفکر.
- دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۰۸ق، *اعلام الدین فی صفات المؤمنین*، قم، مؤسسه آل‌البتیت.
- حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسایل الشیعه*، قم، آل‌البتیت.
- شریف‌الرضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ق، *نهج البلاغه (للمصیحی صالح)*، قم، نشر هجرت.

- شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۴۰۹ق. *منیة المرید*، قم، نشر مکتب الإعلام الإسلامی.
- فتال نیشابوری، محمدبن احمد، ۱۴۲۳ق، *روضه الواعظین و بصیره المتعظین*، برگرداننده محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی.
- کراچکی، محمدبن علی، ۱۴۱۰ق، *کنز الفوائد*، تصحیح عبدالله نعمه، قم، دارالذخایر.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی (ط-الإسلامیة)*، تصحیح علی اکبر غفاری، محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
- ، ۱۴۲۹ق، *الکافی (دارالحدیث)*، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴ق، *بحار الانوار*، چ دوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۷۹، *العلم و الحکمه فی الکتاب و السنه*، قم، مؤسسه فرهنگی دارالحدیث.
- امام جعفر صادق علیه السلام، ۱۴۰۰ق، *مصباح الشریعه*، برگرداننده؛ حسن مصطفوی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی